

عوامل تغییرات پوشش زنان و دختران از منظر روانشناسی اسلامی

زهرا عابدی^۱

چکیده

مسئله سبک پوشش دختران به عنوان یکی از مهمترین موضوعات بحث برانگیز در جامعه ایران به شمار می رود. در این پژوهش دوره سنی بین ۱۴ تا ۲۶ سال به عنوان محوریتین دوره برای بررسی سبک پوشش مورد بررسی قرار خواهد گرفت. تطبیق این دوره با بیشترین تاثیر پذیری و تغییرات در سبک پوشش مهمترین دلیل انتخاب برای بررسی می باشد. این پژوهش تلاش دارد تا با توجه به اهمیت مفهوم سبک زندگی اسلامی روند و زمینه های تغییر سبک پوشش دختران جوان را به عنوان یکی از مهم ترین دوره های زندگی از دیدگاه روانشناسی اسلامی مورد بررسی قرار دهد. نگارنده بر این باور است با توجه به اهمیت پوشش مناسب در متون اسلامی و احادیث زمینه های این تغییر و تحول را می توان در عواملی همچون سبک زندگی ماشینی، تبعیت از مدهای غیر متعارف و وارد شده که هم خوانی با سنت های ایرانی - اسلامی ندارد و همچنین ضعیف شدن اعتقادات در بستر یک زندگی مدرن و متمایل به فرهنگ غربی و به حاشیه رفتن سنت های ارزش آفرین برای پوشش اسلامی ناشی از نوعی زندگی بر پایه مصرف گرایی و اصل قرار دادن مصرف بر سایر ابعاد زندگی ردیابی نمود. پژوهش تلاش دارد تا با به کارگیری مفاهیم و مولفه های روانشناسی اسلامی ایت تغییر و تحول را در سبک پوشش دختران چون مورد ارزیابی و بررسی قرار دهد. نوع پژوهش توصیفی - تحلیلی می باشد و روش تحقیق استفاده از منابع کتابخانه ای و اسنادی می باشد.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، دختران، روانشناسی، اسلام، مدگرایی. مصرف گرایی

۱. مقدمه

سبک پوشش از جمله موضوعات حیات اجتماعی است که از گذشته تا کنون و در جوامع مختلف مورد عنایت بوده و درباره عوامل و زمینه های بروز آن تأمل شده است. با توجه به اهمیت و مورد توجه قرار گرفتن دختران جوان به عنوان مساله اصلی برنامه ریزی فرهنگ های مصرف گرایانه و اغلب با رویکردی تهاجمی

^۱ طلبه پایه پنجم، حوزه علمیه فاطمیه (س)، شهرستان پیشوا.

بررسی سبک پوشش دختران جوان همیشه یکی از موضوعات بررسی های علمی مورد توجه قرار می گیرد. در دو قرن گذشته الگوی پوشش از منظر جامعه شناسی نشانه موقعیت اجتماعی بوده اما در قرن حاضر آنچه پوشیده می شود به معنای نوعی ایده بدن محوری و کسب هویت است. دختران جوان علاوه بر تابعیت از بازار توده ای در زمینه مصرف کالا، در ترکیب و ابداع سبک های نو در بازار مصرفی بیشترین تغییرات و تأثیرات را بر جا می گذارند. آن ها قادرند نمادهای رایج و قالبی را شکسته و ایده های نمادین خود را براساس معنای متفاوت (همگرایی یا واگرایی با فرهنگ جامعه) به کار گیرند.

از سویی توجه و ارزشگذاری به مفهوم پوشش و تبعات آن یکی از مهم ترین و متمایزترین ارزش های فرهنگی و اجتماعی، جوامع اسلامی، به ویژه ایران اسلامی است. نهادینه شدن این ارزش، بخصوص در میان نسل جوان و آینده ساز که به واسطه گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات با انبوه هجمه های تبلیغاتی برای کمرنگ شدن آن روبه روست، مستلزم واکاوی اصولی، واقع بینانه و عینی ریشه های کم توجهی به رعایت پوشش اسلامی در محیط های اجتماعی، بخصوص در بین دختران جوان که بخش مهمی از آنها در دوره دانشجویی قرار دارند و با توجه به ظرفیت بالای ورود دختران به مراکز دانشگاهی است. ریشه های پیدایش و گسترش پدیده تغییر سبک پوشش دختران جوان متعدد است و درمان اصولی آن نیز نیازمند برنامه ریزی همه جانبه و اعمال سیاست های مختلف، متناسب با شرایط و امکانات و محدودیت های محیطی خواهد بود. بدین ترتیب، می توان برای توسعه، تکوین و ترویج دانش های بنیادین، و تبیین درست فلسفه وجودی، ماهیت، نقش و تأثیرات فردی و اجتماعی آن، برنامه ریزی جامع و کاملی برای پوشش همه ابعاد فرهنگ و ساختارهای آن (دانش ها، ارزش ها، نمادها) فراهم ساخت. اگر شیوه پوشش در بین برخی از گروه ها، مغایر با معیارها و هنجارهای رسمی و پذیرفته شده باشد، می توان گفت مشکلی اجتماعی ظهور یافته است. بنابراین توجه به ابعاد این موضوع می تواند در پیشگیری از آسیب های اجتماعی و بحران ها کمک فراوانی نماید.

بنابراین مساله پژوهش بررسی روند تغییر سبک پوشش دختران با استفاده از معیارهای مطرح شده در روانشناسی اسلامی باشد تا بتواند با تحلیلی بر بنیان های روانشناسی این مساله اجتماعی و هویتی را بر ابعادی جدید مورد ارزیابی قرار دهد. بر همین اساس فرضیه پژوهش بر این اساس است که تغییر سبک زندگی و به تبع آن وارد شدن برخی مولفه های تاثیرگذار باعث تحول و جابجایی و نگرشی متفاوت به مفهوم پوشش شده است. مدگرایی، زندگی ماشینی، نفوذ فرهنگ غربی مهم ترین دلایل این تغییر سبک پوشش در دوره جوانی و بالاخص در دختران جوان قابل بررسی می باشد.

پیشینه پژوهش

با توجه به این امر که روانشناسی اسلامی از جمله علوم هستند که تاریخچه چندان طولانی در بحث های پژوهشی ندارد به تبع کارهای صورت گرفته در بستر این علوم نیز از تنوع و ابعاد چندان بر خوردار نیستند. با

توجه به این مساله پژوهش‌هایی که در مسایل مختلف صورت گرفته شده است به‌عنوان جزیره‌هایی هستند دور از هم. با این وجود چندین اثر پژوهشی مرتبط با موضوع مورد نظر انجام گرفته شده که به آن‌ها اشاره می‌گردد. ماهینی و خسروپناه (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «راهکارهای ترویج پوشش اسلامی در بین دختران دانشجو»، مهم‌ترین علل کم‌توجهی یا بی‌توجهی به مقوله حجاب را در چهار دسته عوامل فرهنگی و اعتقادی، بیولوژیکی و روانی، اجتماعی و سیاسی بیان کردند و به ارائه راهکارهایی در جهت ترویج پوشش اسلامی پرداخته‌اند. فضل‌الهی قمیشی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی و اولویت‌بندی علل کم‌توجهی به پوشش اسلامی و راهکارهای ترویج آن در بین دانشجویان دختر دانشگاه‌ها»، ریشه‌یابی علل کم‌توجهی به پوشش اسلامی در بین دانشجویان دختر دانشگاه‌ها نشان دادند: مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در کم‌توجهی دختران دانشجو به پوشش اسلامی، دوستان و همسالان، ضعف اعتقادات و رسانه‌های خارجی هستند.

فضل‌الهی قمیشی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «پوشش اسلامی دانشجویان دختر دانشگاه‌ها ریشه‌یابی علل کم‌توجهی، راهکارها» به بررسی عوامل زیستی‌روانی در کم‌توجهی به پوشش اسلامی در بین دانشجویان دختر دانشگاه‌ها پرداخته و این عوامل را دارای تأثیر مثبت و معناداری می‌داند. مرتضی میرتبار، عیوضی، یاور، ادیسی، علیرضا (۱۴۰۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «وضعیت‌شناسی حجاب و الزام به آن در سبک زندگی دانشجویی» که در این پژوهش اطلاعات پردازش و مورد بررسی قرار گرفته شده است. کاهشی بودن التزام به حجاب، شخصی شدن، معنی‌شناسی خنثی (گاهی مثبت از بدحجابی) در کنار تقویت نگاه غیردینی و عرفی به حجاب مهم‌ترین تغییرات عمده‌ای است که در پژوهش حاضر استنتاج شده است. با توجه به این پیشینه پژوهش مقاله حاضر تلاش دارد تا از رویکردی بدیع و با توجه قرار دادن آموزه‌های اسلامی از چشم انداز روانشناسی اسلامی به علل تغییر و تحول سبک پوشش دختران بپردازیم و مولفه‌های تأثیر گار را در این روند مورد بررسی قرار دهیم.

مفاهیم

۱- پوشش

حالت پوشیده بودن را پوشش گویند. از جمله مهمترین مفاهیم مترادف با این کلمه میتوان به جامه، لباس، حجاب اشاره نمود.

سبک: سبک در لغت به معنای طرز و شیوه و روش و قاعده است. سبک همچنین به منزله نوع و شیوه‌ای از زندگی، هنر، ادبیات و غیره باشد.

سبک پوشش

مفهوم سبک پوشش در ایران مفهومی جدید به شمار می‌رود. مطالعه سبک پوشش زنان شناخت لازم در مورد برخی از ابعاد فرهنگی و جامعه و تغییرات احتمالی را معین میکند. پوشش زمانی تنها وسیله‌ای برای رهایی انسان از گرما و سرما به شمار می‌رفت اما به مرور زمان و گسترش فناوری و پوشش دستخوش تغییرات فراوانی گردید بر همین اساس سبک پوشش وسیله‌ای برای زیباتر شدن، جلوه نمودن، و مشخص نمودن پایگاه طبقاتی و اجتماعی و حتی اقتصادی فرد به شمار رفت.^۱ در همه فرهنگ‌ها لباس‌ها آشکارا وسیله‌ای برای عرضه اجتماعی خویشتن هستند. نوعی شکل دادن به قالب برون‌روایتی که فرد برای هویت شخصی انتخاب کرده است. در این مقاله با توجه به اهداف پژوهشی این بعد از کاربرد مفهوم سبک پوشش را مد نظر قرار خواهیم داد.

روانشناسی اسلامی

روانشناسی اسلامی، یعنی عملی ساختن کلام نقلی و کلام عقلی اسلام بصورت روزمره و مفید با روش‌های کاربردی روانشناسی روز و یعنی تبدیل واژگان آسمانی قرآن به معرفت می‌باشد. ماحصل تعریف روانشناسی اسلامی در سال ۱۹۶۲ که از طرف دکتر احمد فؤاد الاهوانی مطرح گردید این است که: «روانشناسی اسلامی شاخه‌ای از روانشناسی است که به مباحث دینی نزد مسلمانان می‌پردازد. با توجه به نظریه‌های مختلف که در روانشناسی اسلامی مطرح است تعریف جامعی که می‌توان ارایه کرد: «روانشناسی اسلامی، مطالعه علمی رفتار است که با فرهنگ و جهان‌بینی اسلامی متناسب باشد».^۲

پوشش زنان در قرآن کریم

مسئله حجاب موضوعی خاص و مربوط به یک جامعه معین یا در یک گوشه از جهان نبوده و نیست، بلکه مسئله‌ای جهانی بوده و آشکار است که با مشخصات متناسب با جوامع مختلف و در سیر تاریخی آن‌ها قرار دارد.^۳

^۱ - قنبری، سارا، ۱۳۸۷، سیر تحول گفتمان حجاب در مطبوعات ایران ۷۰، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم و اقتصاد دانشگاه الزهراء، ص ۲

^۲ - غروی، محسن، مجله معرفت، ش ۵۰، ص ۱۰، مدیر گروه روانشناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمة الله علیه) و پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

^۳ استاد ملک، حجاب و کشف حجاب در ایران، ص ۸۷.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «و به زنان با ایمان بگو چشمان خود را از آنچه حرام است فرو بندند، و شرمگاه خود را حفظ کنند، و زینت خود را (مانند لباس‌های زیبا، گوشواره و گردن بند) مگر مقداری که (طبیعتاً مانند انگشتر و حنا و سرمه، بر دست و صورت) پیداست (در برابر کسی) آشکار نکنند، و (برای پوشاندن گردن و سینه) مقنعه‌های خود را به روی گریبان‌هایشان بپندازند، و زینت خود را آشکار نکنند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران شوهرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان (هم کیش خود)شان، یا بردگان زر خریدشان، یا خدمتکارانشان از مردانی که ساده لوح و کم عقل‌اند و نیاز شهوانی حس نمی‌کنند، یا کودکانی که (به سن تمیز دادن خوب و بد نسبت به امیال جنسی) نرسیده‌اند و زنان نباید پاهایشان را (هنگام راه رفتن آن‌گونه) به زمین بزنند تا آنچه از زینت‌هایشان پنهان می‌دارند (به وسیله نامحرم‌ان) شناخته شود. و (شما) ای مؤمنان! همگی به سوی خدا بازگردید تا رستگار شوید».^۱

خداوند در آیه ۵۵ سوره احزاب می‌فرماید: «لَا جُنَاحَ عَلَیْهِمْ فِیْ آبَائِهِمْ وَلَا أَبْنَائِهِمْ وَلَا إِخْوَانِهِمْ وَلَا أُمَّهَاتِهِمْ وَلَا نِسَائِهِمْ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا؛ همسران پیامبر را نزد پدرانشان و پسرانشان و برادرانشان و پسران برادرانشان و پسران خواهرانشان و زنان هم کیششان و بردگان‌شان (در ترک پوشش و حجاب) گناهی نیست؛ و از خدا پروا کنید که خدا به هر چیزی گواه است». یعنی بانوان، وظیفه دارند که خود را از مردان بپوشانند، مگر از چند دسته‌ای که در آیه ذکر شده است. با مطالعه تاریخچه پوشش زنان ایرانی از آغاز تاکنون دیده می‌شود که بیشترین تغییر لباس زنان از اواخر قرن نوزدهم و با تثبیت سلسله قاجاریه آغاز شده است. توجه به مد اروپایی از میانه‌های حکومت ناصرالدین شاه آغاز شد. پس از انقلاب مشروطه و تا سال ۱۳۱۴، تحولات مهمی از نظر سیاسی و اجتماعی نظیر وضعیت زنان و اهمیت نقش آن‌ها در خارج از خانه موجب شد که وضعیت پوشش زنان تحت تأثیر قرار گیرد؛ از سوی دیگر، اهمیت لباس و کالاهای خارجی، به‌ویژه با آمدن خیاطان و طراحان فرانسوی به تهران، سبب شد که در ایران قشر جدیدی با توجه به آنچه در اروپا می‌گذشت، شکل بگیرد. بدین ترتیب، تحول سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به دگرگونی رفتار یک طبقه مرفه متمایل به تمدن غرب و ارزش‌های غربی کمک کرد که همین موضوع سبب ایجاد پراکندگی در پوشش زنان شد. این فرایند پس از کودتای ۱۲۹۹، شدت بیشتری به خود گرفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، «پوشش بانوان» همواره یکی از موضوع‌های بحث برانگیز جامعه بوده و این بحث در دوره‌های مختلف تاریخ انقلاب اسلامی، فراز و فرودهایی داشته است. در دهه نخست پیروزی انقلاب اسلامی،

^۱ نور: ۳۱.

^۲ احزاب: ۵۵.

^۳ استاد ملک، حجاب و کشف حجاب در ایران، ص ۶۰-۶۱.

۴- سبک زندگی جدید ناشی از مدرن شدگی

توجه به تعریف یونسکو از فرهنگ و ارتباط آن با موقعیت اجتماعی نشان می‌دهد که ارتباط مستقیم و معناداری میان آن‌ها و شیوه زندگی دانشجویی و به الطبع زندگی اجتماعی وجود دارد، به‌طوری‌که اولین نقش با مفهوم دیگری با دانشگاه، ارتقای فرهنگ جامعه شناخته می‌شود که این کارکرد عمیقاً عنوان "توسعه همه جانبه" پیوند دارد. دانشجویان درگیر الزامات زندگی تکنولوژیک، رسانه‌های مخصوص اوقات فراغت و ارتباطات فرهنگ مصرف‌گرایی، تحولات فکری و اعتقادی و اخلاقی است و افرادی همچون اساتید و عالمان، چهره‌های مورد پذیرش دانشگاهیان و همسالان دانشجو، تأثیر زیادی در تغییر و تحول آن دارند.^۲ متفاوت بودن این گروه در بسیاری از مقولات سبک زندگی همچون پوشش و حجاب، لزوم وضعیت‌شناسی و سنجش دیدگاه آن‌ها را ضروری می‌سازد. بی‌تردید با آگاهی از میزان رعایت حجاب در میان دانشجویان به مثابه یکی از ابزارهای سنجش دین‌داری، می‌توان میزان دینی‌بودن سبک زندگی در بین دانشجویان و میزان تأثیری که سرمایه فرهنگی بر آن دارد را شناسایی نمود و بدین ترتیب، سیاست و برنامه‌ریزی بهتر و همه‌جانبه‌ای برای تشویق و ترغیب بیشتر دانشجویان برای گرایش به سبک زندگی دینی فراهم کرد. مدرنیسم و فاصله گرفتن از شیوه زندگی سنتی، افراد را از قیود انتخاب‌های سنتی می‌رهاند و حق انتخاب نیز عاملی در تنوع سبک زندگی شده است. او معتقد است هماهنگی از رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین و سبک زندگی مجموعه‌های نسبتاً حالت‌ها و سلیقه‌ها مانند طرز لباس پوشیدن و طرز آرایش، دکور منزل و شیوه‌گذران اوقات فراغت در زندگی روزمره است که شامل پوشش و حجاب نیز می‌شود.^۳

۵- شیفتگی در دنیای مد

مدگرایی عبارت است از روش و طریقه‌ای موقتی که براساس ذوق و سلیقه افراد یک جامعه و سبک زندگی همچون شکل لباس پوشیدن، آداب پذیرایی و معاشرت و تزیین و معماری خانه را تنظیم می‌کند. مدگرایی را تغییر سلیقه ناگهانی و مکرر همه یا برخی از افراد یک جامعه می‌دانند که به گرایش رفتاری خاص یا مصرف کالای خاصی و یا در پیش گرفتن سبکی ویژه در زندگی می‌انجامد.

گستره مد به اندازه گستره زندگی انسان است و تمامی شئون آن را در بر می‌گیرد؛ اگرچه مد همواره در میان همه نسل‌ها و دوران وجود داشته، اما در دوره معاصر به‌ویژه در چند دهه گذشته مد و مدگرایی به افراطی‌ترین حد خود رسیده است. که در این بین مد لباس لباس به‌عنوان یکی از صنایع فرهنگی پرتعداد جامعه معاصر برخوردار از نقشی تعیین کننده در رشد اقتصادی جوامع در انتقال ایده‌های فرهنگی به سایر جوامع و رشد و پویایی هرچه بیشتر فرهنگ بومی، به‌ویژه در عرصه نمادها و جلوه‌های عینی و ملموس فرهنگی

^۱ فاضلی، تصویری از سبک زندگی فرهنگی جامعه دانشجویی، ص ۱۷۷.

^۲ هاشمی، طراحی مدل سبک زندگی دانشجویی براساس آموزه‌های دینی و ایرانی، ص ۵۷۸.

^۳ گیدنز، تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ص ۱۸۹.

از نقشی انکارناپذیر برخوردار بوده است.^۱ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین باورهای دینی و مدگرایی در بین دانش‌آموزان دختر و جوانان ارتباط معناداری وجود دارد و در بین مؤلفه‌های باورهای دینی می‌توان گفت که بعد اخلاقی بیشترین تاثیر را بر مدگرایی دارد.^۲ افراد با توجه به سلايق، انگیزه‌ها و فرهنگ حاکم بر محیط در انتخاب شکل، رنگ و جنس لباس مورد علاقه خود اعمال نظر می‌کنند و با جلوه‌گری با آن به حس خودآرایی و زیبایی دوستی درونشان پاسخ می‌دهند. متأسفانه امروزه با زیاده‌روی در پرداختن به این امر، جنبه‌های منفی پوشش در قالب تجمل‌گرایی، مدپرستی و خودنمایی، نمود بیشتری یافته است که می‌توان گفت علت اصلی آن غفلت از خودآرایی درونی و تهذیب نفس می‌باشد. بر همین اساس خداوند می‌فرماید؛ يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ.^۳ "ای فرزندان آدم، محققاً ما لباسی که ستر عورات شما کند و جامه‌هایی که به آن تن را بیارایید برای شما فرستادیم، و لباس تقوا نیکوترین جامه است. این سخنان همه از آیات خداست (که به بندگان فرستادیم) شاید خدا را یاد آرند". عوامل تجاری در یک فرایند مقطعی و محدود می‌توانند بر الگوی مصرف تاثیرگذارند؛ اما هیچ‌گاه همانند انگیزه‌های ناشی از باورهای اصیل دینی نمی‌توانند پایدار باشند.

نتیجه گیری

این پژوهش تلاش داشته است تا به بررسی علل و عوامل تغییر سبک پوشش دختران جوان بر پایه روانشناسی اسلامی بپردازد. اهمیت پوشش و استفاده از دستورالعمل‌هایی از پوشش مناسب با توجه به پیامدها و آثار کوتاه مدت و بلند مدت آن در زندگی فردی و اجتماعی مورد تاکید قرار گرفته شده است. این اهمیت در آیات و احادیث و روایات مورد ردیابی قرار گرفته شده است. از سویی روانشناسی اسلامی به‌عنوان یکی از شاخه‌های علمی که بر تبیین و بررسی ریشه‌ها و زمینه‌های برخی از رفتارها و به‌طور کل سبک زندگی انسان‌ها با رویکردی علمی می‌پردازد. به بررسی ما در این موضوع کمک شایانی نموده است. بررسی برخی از دلایل این تغییر سبک پوشش به‌ویژه در دوران با اهمیت جوانی در بستر یک روانشناسی اسلامی ارتباط معنی‌دار و مستقیمی با زندگی مدرن و آشنایی بخش مهمی از این طبقه با مولفه‌های یک زندگی مدرن و وارداتی داشته است. بر این اساس این پژوهش نشان می‌دهد که در یک روند به هم پیوسته با کاهشی شدن ارزش‌های سبک زندگی سنتی و در حاشیه قرار گرفتن ارزش‌های همسو با این زندگی که ریشه‌های تاریخی و اجتماعی بسیار قوی دارد به‌عنوان نقطه شروع این تغییر سبک رابطه معناداری وجود دارد. در ادامه بررسی الزام‌های پیروی از یک زندگی مدرن و وابسته شدن بر الزامات و ضرورت‌های زندگی مدرن مولفه‌های مصرف‌گرایی را در زندگی

^۱ جلال سالک زمان خانی، جمشید نشان اصل، ایده‌های مشترک در طراحی مد و معماری با رویکرد اسلامی-ایرانی، ص ۶.

^۲ نیک زاده انزابی، واکاوی الگوهای رایج باورهای دینی به مدگرایی در بین دانش‌آموزان شهر ملارد درسال ۱۳۹۶، ص ۹.

^۳ اعراف: ۲۶.

دختران جوان وارد نموده و عامل مصرف‌گرایی به‌عنوان محوری‌ترین نقطه کانونی این روند در تغییر سبک پوشش مورد شناسایی و بررسی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش بر ما نشان می‌دهند که با افزایش رغبت و تمایل بر مصرف‌گرایی زمینه‌های رشد و تحول در پوشش دختران نیز افزایش پیدا می‌کند. بنابراین در رهیافت پایانی درشناسایی روند تغییر سبک پوشش دختران جوان به عامل مصرف‌گرایی و تبعیت از مد و گستردگی یک زندگی با ماهیت فرهنگی غیر متجانس مورد شناسایی قرار گرفت.

منابع

*قرآن کریم

۱. استاد ملک، فاطمه، **حجاب و کشف حجاب در ایران**، تهران، عطایی، ۱۳۶۷.
۲. رفیعی هنر، حمید؛ آذربایجانی، مسعود؛ «روانشناسی اسلامی در ایران؛ گذشته، حال و آینده»، پژوهشنامه روانشناسی اسلامی، سال نهم، شماره ۲، ۱۴۰۱.
۳. سالک زمان خانی، جلال؛ جمشید نشان اصل، لیلا؛ «ایده‌های مشترک در طراحی مد و معماری با رویکرد اسلامی-ایرانی»، کنفرانس ملی معماری و شهرسازی معاصر ایران، ۱۳۹۸.
۴. سلاجقه، آریتا؛ موسی‌پور، نعمت‌الله؛ «بررسی مقایسه‌ای الگوی پوشش دانشجویان دانشگاه‌های دولتی، پیام نور و آزاد اسلامی (مطالعه موردی شهر بافت)»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره چهارم، شماره ۱۵، ۱۳۹۰.
۵. قنبری، سارا، ۱۳۸۷، سیر تحول گفتمان حجاب در مطبوعات ایران ۷۰، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم و اقتصاد دانشگاه الزهراء، ص ۲
۶. ستوده، هدایت‌الله، آسیب‌شناسی اجتماعی: (جامعه‌شناسی انحرافات)، تهران: آوای نور، ۱۳۹۸.
۷. شرف‌الدین، حسین، «مصرف‌گرایی در سبک زندگی مدرن و دینی»، پژوهشنامه سبک زندگی، سال اول، شماره اول، ۱۳۹۴.
۸. صنیع، صالح، دراسات فی التاصيل الاسلامی لعلم النفس، ریاض: دار عالم الکتب، ۱۳۷۸.
۹. عشایری، طاهّا؛ میرلوحی، علی؛ جهان‌پرور، طاهره؛ «مطالعه علل گرایش ایرانیان به فرهنگ حجاب فراتحلیل در بازه زمانی ۱۳۹۹-۱۳۹۱»، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۹۰، سال بیست و ششم، شماره اول، ۱۴۰۱.
۱۰. فاضلی، محمد، «تصویری از سبک زندگی فرهنگی جامعه دانشجویی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱، ۱۳۸۷.
۱۱. فضل‌الهی قمشی، سیف‌اله، «بررسی و اولویت‌بندی علل کم‌توجهی به پوشش اسلامی و راهکارهای ترویج آن در بین دانشجویان دختر دانشگاه‌ها»، فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی، دوره ۲، شماره ۳، ۱۳۹۱.
۱۲. -----، «پوشش اسلامی دانشجویان دختر دانشگاه‌ها ریشه‌یابی علل کم‌توجهی، راهکارها»، ماهنامه معرفت، سال بیست و یکم، شماره ۱۰، ۱۳۹۱.

۱۳. گیدنز، آنتونی، **تجدد و تشخص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید**، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی، ۱۳۷۸.
۱۴. فاضلی، ۱۳۸۳، **مصرف و سبک زندگی**، تهران، انتشارات باز ۱۳۸۳
۱۵. ماهینی، انسیه؛ خسروپناه، عبدالحسین؛ «**راهکارهای ترویج پوشش اسلامی در بین دختران دانشجو**»، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۸.
۱۶. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار استاد شهید مطهری**، تهران: صدرا، ۱۳۶۸.
۱۷. ممتاز، فریده، **انحرافات اجتماعی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها**، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۱.
۱۸. میرتبار، مرتضی؛ عیوضی، یاور؛ ادریسی، علیرضا؛ «**وضعیت‌شناسی حجاب و الزام به آن در سبک زندگی دانشجویی**»، دو فصل‌نامه علمی-پژوهشی پژوهشنامه سبک زندگی، سال هشتم، شماره ۱۵، ۱۴۰۱.
۱۹. میرحسینی، زهرا، «**نگرش دختران دانشجو به پوشش و حجاب**»، همایش نگرش علمی و کاربردی به عفاف و حجاب، ۱۳۹۶.
۲۰. نیک زاده انزایی، داود، «**واکاوی الگوهای رایج باورهای دینی با مدگرایی در بین دانش‌آموزان شهر ملارد در سال ۱۳۹۶**»، نهمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، ۱۳۹۶.
۲۱. هاشمی، عباس، «**طراحی مدل سبک زندگی دانشجویی براساس آموزه‌های دینی و ایرانی**»، مطالعات حقوق شهروندی، شماره ۲۰، ۱۴۰۰.